



مقاله پژوهشی

تبیین عرفانی حقیقت خدمت و درجات آن

در آستان معصوم (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۱

امیر جوان آراسته^۱، اصغر نوروزی^۲، حبیب‌الله کیخا^۳

چکیده

خدمت و خدمت‌گزاری از موضوعات ارزشمندی است که در منابع عرفانی از آن با عنوان خدمت به مشایخ و بهره‌مندی از وجود مرشد و مراد تا کامل‌ترین آن‌ها یعنی ولی خدا و انسان کامل یاد شده است. در این پژوهش کوشیده‌ایم به روش توصیفی تحلیلی، حقیقت خدمت و درجات آن را با رویکردی عرفانی بیان کنیم و کارکردهای سلوکی آن را در آستان مبارک معصوم (علیه السلام) روشن سازیم. خادم، متخادم و مستخدم، درجات خدمت در عرفانند که در میان آن‌ها «خادم»، محبوب مخدوم و مقرون به قرب حضرت حق است. بر اساس این پژوهش، در سیر سلوکی عرفانی به مدد معصوم (علیه السلام) در جایگاه انسان کامل، خدمت‌گزاری «خادم»، می‌تواند به فنای او در مخدوم تا بقای بعد از فنا و دستگیری و ارشاد خلق منجر شود. شرط این سلوک، معرفت به مقام انسان کامل، اطاعت‌پذیری، عشق‌ورزی، ارادت و حضور قلب در محضر معصوم (علیه السلام) است که خادم را از نظر رفتاری اخلاقی و عملی شبیه مخدوم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: خدمت، خادم، معصوم (علیه السلام)، عرفان، سلوک.

۱. استادیار گروه عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول): amjavan@gmail.com

۲. استادیار گروه دایره‌المعارف مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): anorouzi@iki.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، دانشگاه ادیان و مذاهب: H.keikha@urd.ac.ir

مقدمه

خدمت و خدمت‌گزاری به خلق از جمله اموری است که سالک راه را در رسیدن به مطلوب کمک می‌کند و راه او را آسان می‌سازد. بهترین نمونه خدمت‌گزاری نیز در خدمت به معصوم (علیه السلام)، به عنوان مصداق انسان کامل جلوه‌گر می‌شود؛ خدمتی که می‌تواند زمینه طی مراحل سلوک عرفانی را در محضر آن ولی الله اعظم فراهم کند. خادم به قصد تقرب الی الله، همه وجود و دارایی‌اش را تقدیم انسان کامل و محبوب و مطلوب ایشان می‌کند. در این میان چون قصد او از خدمت همراه با شفقت و منفعت‌رسانی به خلق، فقط رضای الهی است، پس در واقع خدمت به خدا می‌کند؛ چراکه خدمت به چکیده و عصاره عالم، خدمت و تقرب به خدا به‌شمار می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۹۶).

نگارندگان در این نوشتار کوشیده‌اند با بررسی منابع عرفانی و بهره‌گیری از آن‌ها، خدمت‌گزاری توأم با تصفیه و خلوص نفس را در قالبی سلوکی برای خادم تبیین کنند. این شیوه خدمت‌گزاری با هدف رفع نیاز خلق و بدون کم‌ترین بهره‌نفسانی، فقط برای جلب رضای مخدوم و تقرب به خداست. در این تحقیق، خادم پس از حفظ و تقویت مؤلفه‌های خدمت، بعد از مقام فقر و فنا به مرحله دستگیری و ارشاد خلق و بقای بعد از فنا می‌رسد. این جایگاه گرچه اختصاص به انبیا و اولیای الهی دارد، اما با بهره‌گیری از آن ظرفیت‌های عظیم، می‌تواند در سطحی رقیق‌تر برای محبان و پیروان ایشان هم امکان‌پذیر باشد.

انبیای الهی از حضرت آدم (علیه السلام) تا خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) در خدمت‌گزاری به خلق همواره الگو بوده‌اند و در این راه رنج فراوان برده‌اند. آنان برای راهنمایی و هدایت انسان‌ها لحظه‌ای از خدمت غافل نبودند تا جایی که گاه نزدیک بود از اندوه زیاد برای خلق، جانشان را از کف بدهند (کهف، ۶). این دغدغه‌ها، ایثارگری‌ها و جان‌فشانی‌ها برای دستگیری و ارشاد، گونه‌ای از خدمت به خلق بود. عرفا نیز برای اولیا، پیران و مشایخ، مراتبی همچون اقطاب، نقبا، اوتاد، ابرار، ابدال و اخیار قائل بوده‌اند؛ اما در هر دوره، فقط یک نفر را به عنوان قطب می‌شناخته‌اند که بالاتر از همه، یگانه عصر و محور گردش عالم به‌شمار

می‌رفته است (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۹۲). در میان اولیا و مشایخ از اهل معرفت می‌توان به ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری، ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی، ابوحامد محمد غزالی و... اشاره کرد که همواره برای خود مریدانی در خدمت داشته‌اند و اصول و فنون طریقت و حتی خدمت به مشایخ و خدمت به خلق را به ایشان تعلیم می‌داده‌اند.

در بیوت مطهر معصومین (علیهم السلام) بزرگانی چون سلمان فارسی، کمیل بن زیاد، میثم تمار، فضه، قنبر، مالک اشتر و اباصلت از وجود مبارک آنان کسب فیض کرده‌اند. بعضی از آنان چون سلمان فارسی، کمیل، مالک اشتر و اباصلت، اگرچه از اصحاب و یاران نزدیک معصوم (علیه السلام) بودند، با این حال افتخار خدمت‌گزاری آن‌ها و مهمانان و مراجعانشان را نیز داشته‌اند. اکنون نیز در آستان‌های منور و مراقد مطهر آن ذوات مقدسه، خادمان مخلصی هستند که در محضر آن بزرگواران، به رفع حوائج، مشکلات، رتق وفتق امور و رسیدگی به مراجعان و مهمانان آن حضرات می‌پردازند. هدف این پژوهش، تبیین حقیقت خدمت، درجات و نیز کارکردهای سلوکی آن است که می‌کوشیم آن را در قالب پاسخ به این دو سؤال بیان کنیم:

۱. خدمت عارفانه و درجات آن چیست؟ ۲. این نوع خدمت در آستان معصوم (علیه السلام) چه رهاوردی برای خادم دارد؟

پیشینه پژوهش

خدمت‌گزاری با هدف رسیدن به سعادت و جلب رضایت الهی، مورد تأکید اسلام است و در قرآن و روایات به آن اشاره شده است. همچنین پژوهش‌های گوناگونی نیز به این موضوع پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: میری خضری (۱۳۹۱)، در باب اهمیت خدمت به زائران از دیدگاه اسلام؛ علوی (۱۳۹۳)، با موضوع معرفی جون، غلام امام حسین (علیه السلام) و بیان ویژگی‌های خادمی ایشان؛ مردیها با موضوع آسیب‌شناسی برخوردهای اجتماعی خادمان و بیان ویژگی‌های خادم مسجد؛ نیلی‌پور (۱۳۹۶)، در باب آداب خدمت‌گزاری در حرم مطهر رضوی.

افزون بر این، مقاله‌هایی نیز با موضوع خدمت، به رشته تحریر درآمده است که از آن جمله می‌توان به این دو اشاره کرد: یوسفیان (۱۳۸۳) با موضوع اخلاقی بودن خدمت‌رسانی از دیدگاه اسلام و معیارهای ارزشمندی آن؛ آخوندی (۱۳۹۷) با موضوع بررسی خدمت‌گزاری از نگاه قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) و ارزش خدمت‌رسانی روحانیان محترم. در همه این آثار، موضوع «خدمت» به معنای عام آن در نظر گرفته شده و ناظر به خدمت به خلق از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده و هیچ کار مستقلی در باب خدمت به معصوم (علیهم‌السلام) و در آستان ایشان با رویکرد عرفانی منتشر نشده است.

۱. حقیقت خدمت

«خدمت» در لغت به معنای کار کردن، یاری رساندن، مساعدت کردن و سود رساندن به دیگری است. به آن کس که خدمت می‌کند «خادم» می‌گویند؛ چون با خدمتش گرد مخدوم طواف می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۶۳؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۳۵۸). در زبان عربی نیز کلمه «الْخَدْم» به معنای غلام یا کنیز است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۱۶۶).

در پیشینه خدمت، شاید بتوان اول خدمت‌گزار عالم را به تعبیری وجود مقدس حق تعالی دانست که طبق آیات پرشمار قرآن کریم، عالم را مخصوص انسان به‌عنوان موجود برتر خلق و اسباب و لوازم زندگی او در دنیا و آخرت را برای او فراهم کرده است؛ چنانکه مطابق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الاسراء، ۷۰)، برای فرزندان آدم در خشکی و دریا مرکب تهیه و از غذاهای لذیذ و پاکیزه روزی قرار داده شده است. این سیطره انسان بر آسمان‌ها و زمین برای عبادت و بندگی او نشانه این خدمت الهی است. از طرفی به انسان نیز تأکید شده که خدمت‌گزاری را از راه‌های گوناگون مانند انفاق بین خود رواج دهند و با خدمت و دستگیری از دیگران با مال و قلم و زبان و قدم، نیازها و گرفتاری‌های یکدیگر را برطرف کنند (بقره، ۲۷۳؛ حشر، ۸) و این‌ها همه خدمت عام است، اما در اصطلاح عرفا که به حقایق باطنی پدیده‌ها نظر دارند، خدمت، تلاش برای یاری رساندن یا رسیدگی

به خلق الله را گویند و حظ و بهره اش نیز آن است که خادم، خدمت خود را منتی از سوی خدا و حقی برای او ببیند. این سنت خداست با اهل سلوک که بارقه‌های انوار معرفتش تنها هنگامی بر اهل سلوک می‌تابد که همه همتشان خدا باشد و از دیدن عمل خود فانی شوند (کاشانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۵۳۰). در بیان ابن‌عطاء، خدمت در کنار معرفت و عبادت و عبودیت، خود به تنهایی علم است (الجنید بغدادی، ۱۴۲۵ق: ۹۶؛ مکی، ۱۴۲۴ق: ۵۹). گاهی همه مکتب عارف را بخشش و ایثار و تشریف به خدمت اختیار دانسته‌اند (ابونعیم اصفهانی، ج ۲: ۶۱) که منظور، خدمت به اولیاست. در سخن ابونعیم هم می‌خوانیم: «حَسْبُكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئَانِ: خِدْمَةُ وَلِيِّ وَصُحْبَةُ فَقِيرٍ» (ابونعیم اصفهانی، ج ۱۰: ۳۵۴). در منابع عرفانی خدمت به پیران، مشایخ و اولیا از ارکان سلوکی مریدان بوده است؛ به طوری که سلمی، حرص و ولع برای خدمت مشایخ را از جمله آداب اکتسابی عارفان می‌شمرد (السلمی، ۱۴۱۴ق: ۱۶۳) و در جای دیگری آن را از نشانه‌های عارف بیان می‌کند (همان: ۳۰۹). تا زمانی که این خدمت برای رضای خدا باشد، خدمت به خداست و دنیا در خدمت کسی است که به خدا خدمت می‌کند؛ چنان که اگر به دنیا خدمت کند دنیا او را خادم خویش می‌سازد (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۸۴۴؛ مکی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۵۰). از این رو حقیقت خدمت را باید بزرگ داشت که گفته‌اند: «خوار داشتن خدمت، خوار داشتن مخدوم است» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۵: ۲۲۸۱) و ترک تقصیر در خدمت، نشانه بندگی (الخرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۱۷۴) و مراعات آن از نشانه‌های عبودیت به شمار می‌رود (همان). از نظر سهروردی خادم کسی را گویند که در حضور مرشد و به فرمان او به افرادی که در محضر او رفت و آمد می‌کنند خدمت می‌کند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۷۱). این خدمت به گونه‌ای بوده است که برای هر کاری، خادمی مخصوص همان خدمت معین می‌کردند و مراقب بودند فردی که وارد می‌شود بدون خدمت نماند. از طرفی اگر خدمتی نبود، به خادمان حاضر انعامی داده می‌شد تا فرصت خدمت‌گزاری صادقانه و خالصانه از آنان سلب نشود (نسفی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۰؛ باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۳)؛ بنابراین خادم در اصطلاح اهل معرفت به کسی گفته‌اند که وقت خود را پس از ادای فریض، صرف خدمت به فقیر و طالب حقی می‌کند که از اموال و اسباب دنیوی نصیبی ندارد، اما در طلب

فضل و رضوان الهی ترک وطن کرده است و برای رفاه حال او می‌کوشد. این خدمت را مقدم بر نوافل عبادات دانسته‌اند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۳۸؛ کاشانی: ۱۱۹) و در روایات هم به آن تصریح کرده‌اند؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که ثواب خدمت روزه گشایندگان، در خیمه‌زدن و آبدادن مرکب‌ها و...، بیش از ثواب روزه‌داران خواهد بود (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۲۹-۱۳۰).

۲. درجات خدمت در عرفان

در عرفان اگرچه اصل خدمت به مخدوم، چنان‌که از هر جهت دغدغه و تشویش‌خاطری نداشته باشد، قداست و اهمیت دارد، ولی برای خدمت‌گزاری در جاتی قائل‌اند که هر درجه، نیت و هدف خدمت‌گزار را نشان می‌دهد. مستخدم، متخادم و خادم، سه درجه از خدمت‌گزاری در عرفان است که هر یک تعریفی دارد:

«مستخدم» سطحی‌ترین درجهٔ خادمی را گویند؛ او کسی است که بدون اجر و مزد خدمت نمی‌کند و در حقیقت در ازای دریافت حقوق به خدمتی گمارده می‌شود و اگر حقوق او قطع شود، ترک خدمت می‌کند. این نوع از خدمت که در عرف جامعه هم شهرت دارد، گرچه از راه‌های کسب معیشت و دارای مراتب است، اما به لحاظ عرفانی و با نظر به حذف نیات اخروی خدمت‌گزار، پایین‌ترین درجه از خدمت به‌شمار می‌رود. به تعبیر باخرزی: «کسی را که در خدمت فقرا بایستانی و تونیز مرافق جمع به او گذاری یا وقف قوم را به او تسلیم کنی و او به جهت نصیبه‌ای که بیابد یا حظی عاجل که در این عالم به او رسد خدمت کند، یا در خدمت چنان باشد که اگر آن رفیق و نصیبه او را از آنجا ببری و منع کنی، او خدمت نکند و ترک کند، یا خدمتی که از آن اوست و در ذمه اوست کسی دیگر را می‌فرماید، این چنین کس خدمت نفس خود کرده باشد و طالب حظ خود بوده باشد و از برای کار و منفعت خود و نصیب خود ایستاده. خادم فقرا نباشد که "الْخَادِمُ بِأَلَا نَصِيبٌ"» (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۱؛ السکندری، ۱۴۲۶ق: ۱۵؛ کاشانی: ۱۲۳؛ جامی، ۱۸۵۸: ۱۶). پس مرتبهٔ مستخدمی را در عرفان، مرتبه‌ای مادون و به دلیل غلبهٔ نفس و حظ

و بهره‌های شخصی مذموم خوانده‌اند. مستخدم با دریافت اجرت، در عمل، خدمتش را مبادله کرده و مانند آن را دریافت کرده است. چنین کسی در واقع مخدوم است؛ بنابراین نمی‌توان در عرفان برای این نوع از خدمت که شخص نه برای جلب رضای خدای می‌کوشد و نه رنج خدمت بدون مزد را به جان می‌خرد، ارزش یا اعتباری لحاظ کرد. البته باید در نظر داشت که خدمت مستخدم با هدف کسب معاش برای خود و اهل خانه‌اش از عیال و اولاد، به شرط سستی نکردن در خدمت برابر با پاداش دریافتی، نه فقط مذموم نیست، بلکه به لحاظ معرفتی و بر اساس روایاتی چون فرمایش امام صادق (علیه السلام) مورد تحسین و توصیه بزرگان دین نیز بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶).

«متخادم» درجه دیگری از خدمت در عرفان را گفته‌اند که خدمت او خالی از هوای نفس نیست و گاهی امیال نفسانی بر او غالب شده و وی را از حقیقت خدمت دور می‌سازد. در زبان عربی یکی از معانی باب تفاعل، تظاهر و تشبیه است، مانند تمارض به معنای خود را به مریضی زدن. واژه تخادم نیز از باب تفاعل در ثلاثی مزید، یعنی خود را شبیه خادم کردن. این واژه از این جهت به کار رفته است که متخادم با شبیه کردن عمل خود به خادم، خدمتش را خالصانه وانمود می‌کند؛ حال آن که اغراض دنیایی در قصد و نیت او نهفته است. باخرزی می‌گوید: «کسانی که نیت را از شویب نفس خالص نمی‌توانند کردن یا نمی‌دانند و به خادمان تشبیه می‌کنند و متصدی خدمت فقرا می‌گردند و به حسن ارادت در کار خدمت می‌درآیند، ایشان را آن مرتبه خادم نباشد. لکن ثواب خدمت آمیخته با حظ نفس باشد و این کس را متخادم گویند» (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). سهروردی به خلاف عقیده باخرزی، خدمت متخادم را خالی از هوای نفس می‌داند، اما معتقد است متخادم به مرحله زهد نرسیده است (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۷۶؛ جامی، ۱۸۵۸: ۱۶). اگرچه در تعریف سهروردی و باخرزی از متخادم، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، اما هر دو متخادم را درجه‌ای جدا و رتبه‌ای پایین‌تر از خادم دانسته‌اند.

متخادم به دلیل غلبه هوای نفس، گاهی چنان که باید به افرادی که شایسته‌اند، خدمت نمی‌کند یا به عکس به افرادی که استحقاق خدمت ندارند، مانند ستمگران خدمت می‌کند. برای چنین خدمت‌گزاری موقعیت مخدوم مهم است، تا جایی که ثروتمندان

و صاحب‌منصبان برای او در اولویت خدمت‌اند. او در شیوه برخورد و ارائه خدمت به آنان، به نسبت سایر مخدومان تمایز قائل شده و کیفیت بالاتری از خدمت را ارائه می‌کند؛ به این امید که توجه آنان را در شرایط و موقعیت‌های دیگر جلب کند و به طریقی از موقعیت اجتماعی مخدوم سود برد. این خدمت برای منافع شخصی ارائه می‌شود و در آن رضایت خدا نیست. به همین دلیل به این دسته از افراد متخادم می‌گویند. باخرزی می‌گوید: «او چنانک ثواب و رضای خدای را دوست دارد، مدح و ثنای خلق را با آن هم دوست دارد؛ یا از خدمت کسی که به او مکروهی و رنجی رسیده باشد امتناع کند و از انحراف مزاج و هوای دل، از آن کس که راضی باشد او را خدمت نیکو کند، و با آن کس که در غضب باشد واجبی خدمت به جای نیارد. این چنین کس متخادم است نه خادم» (باخرزی، ۱۳۸۳: ۱۳۰؛ سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۰؛ السکندری، ۱۴۲۶ق: ۱۵؛ کاشانی، ۱۲۳: ۱۸۵۸: ۱۶).

«خادم» سومین و برترین درجه خدمت است که بدون ملاحظه نفس و بی هیچ منفعت مادی و معنوی، فقط برای رضای خدا و اطاعت او خدمت می‌کند؛ چنان که امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۹۱). در این درجه از خدمت، خادم هیچ نظر منفعتی به مخدوم ندارد و هر مابه‌ازایی در قبال خدمت او منفور و غیر قابل قبول است. او به مهمانان یا مراجعه‌کنندگان یا مخدومان خود خدمت می‌کند، بی آنکه شناختی از مقام و منصب یا موقعیت خدمت‌گیرنده داشته باشد. شناخت از وضعیت اجتماعی مخدوم هم تأثیری در ارائه خدمت او ندارد.

این خدمت‌گزار هیچ تفاوتی در خدمت به فقیر و غنی یا غلام و سلطان قائل نیست. او نفس خدمت را فقط برای جلب رضای خدا و اطاعت حق می‌خواهد. به بیان سهروردی: «خادم خاص آن باشد که خدمت او از این همه شائبه کدورات و شهوات پاک باشد و اندرون او منور شده بود به انوار تجلیات حق، و طالب دنیا و جاه و حظ‌های این عالمی نباشد» (سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۰؛ السکندری، ۱۴۲۶ق: ۱۵؛ جامی، ۱۸۵۸: ۱۲). در اینجا تمام همت خادم نظر به محبوب ازلی است و به همین دلیل خدمت، برای او شرافت، آقایی و سروری خواهد آورد که رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۲۷۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶: ۱۶۳).

خداوند در عظمت مقام چنین خادمی به حضرت داوود (علیه السلام) فرمود: «فَإِذَا رَأَيْتُ لِي مُرِيدًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۷۱). به بیان سهروردی حق تعالی فرمود: «یا داوود، هر آن‌گه که شخصی بینی که شعله طلب در اندرون او مشتعل باشد و نایره شوق، او را بر طلب حضرت عزت داشته باشد، به خدمت او قیام نمای که طالبان این راه و قاصدان این درگاه، محبوب حضرت عزت‌اند و هر آن‌کس که خدمت ایشان کند، همچنان باشد که طاعتی پسندیده و عبادتی گزیده کرده باشد» (سهروردی، ۱۳۷۵: ۳۸). این درجه از خدمت، عالی‌ترین نوع خدمت در عرفان به‌شمار می‌رود.

۳. ارکان و مؤلفه‌های خدمت

با توجه به تعریف خدمت و انواع آن با رویکرد عرفانی، به نظر می‌رسد که خدمت در آستان معصوم (علیه السلام) با عنایت به مؤلفه‌هایی نظیر حضور انسان کامل، معرفت به مقام و وجوب اطاعت از آنان، همچنین محبت و حضور قلب در محضرشان، سلوکی عرفانی تلقی می‌شود. شخصی که خدمت به معصوم (علیه السلام) را برمی‌گزیند، در واقع به انسان کاملی خدمت می‌کند که مظهر اسم اعظم حق تعالی و جامع جمیع کمالات اسما و صفات اوست. چنین شخصی با ورود به سلوک عملی، می‌کوشد در این مسیر، معراج روحانی را تجربه کند و در معشوق ازلی فانی گردد تا به سعادت ابدی و وصول به مطلوب دست یابد؛ چراکه دستیابی به تصفیه باطن از رهگذر ریاضت، از اصول اساسی عرفان اسلامی محسوب می‌شود.

یکی از موضوعات مهم در عرفان اسلامی، مفهوم انسان کامل است؛ تا جایی که اهل معرفت چکیده موضوع عرفان را مقوله توحید و موحد دانسته‌اند و از موحد حقیقی نیز همان مفهوم انسان کامل و محور هدایت کل عالم هستی را اعتبار کرده‌اند. ابن عربی در فصوص الحکم، صفات ویژه الهی را در انبیا برمی‌شمرد که خلاصه حکمت‌اند و کلمات بر قلب‌های آنان نازل می‌شود. او انسان کامل را در جایگاه خلیفه خداوند می‌داند که خدا به واسطه او، حقایق مخلوقات خود را به نظاره می‌نشیند و آن‌ها را مشمول رحمت خود

می‌سازد (ابن عربی، ۱۹۴۶: ۱۱).

انسان کامل در بیان قونوی، از جهت روح و عقل، کتابی عقلی به نام «ام الکتاب»؛ از جهت قلب، کتاب لوح محفوظ و از جهت نفس، کتاب محو و اثبات نامیده شده است (قونوی، ۱۳۷۱: ۹۳). قونوی انسان کامل را بزرگ‌ترین شأن الهی می‌داند که اسم الأول به سبب ظهور سابق برای او ظهور می‌یابد، اسم الآخر به حکم متأخر دوم برای او ثبوت یافته و حکم الأزل و الأبد نیز به واسطه این دو حکم ظاهر و وسط، بین دو حرف تعیین یافته است. او آن کس را که از همه مراتب پدید آمده و از جانب حق نیابت هر کاری را که اراده نماید دارد، انسان، خلیفه و سایه می‌نامد؛ کسی که خداوند اجرای اوامر و فرامین اش را در تمام خلائق از جهت منزل و محل، به او عطا کرده و وی را به خلائق معرفی نموده است (همان، ۱۳۷۵: ۴-۶)، اما درباره مطابقت انسان کامل عرفا با وجود مقدس معصومین (علیهم‌السلام)، به نظر می‌رسد تلاش برای ارتباط و اتصال سلاسل به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و سایر معصومین (علیهم‌السلام)، بیانگر اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها اعم از شیعه و سنی به این انطباق باشد. کشف المحجوب در بابی با عنوان «بَابُ فِي ذِكْرِ أئِمَّتِهِمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ (عِهِم)»، از امام علی (علیه‌السلام) تا امام جعفر صادق (علیه‌السلام) را به عنوان ائمه شناخته است (هجویری، ۱۳۷۵: ۸۵). همچنین می‌توان از معروف کرخی مؤسس سلسله معروفیه به عنوان «ام السلاسل» نام برد که با امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) ارتباط داشت و تحت تربیت ایشان بود. او که به نقل برخی منابع عرفانی، از دست امام رضا (علیه‌السلام) خرجه گرفته است، ضمن افتخار به این ارتباط ولایتی، حضرت علی (علیه‌السلام) را ادامه‌دار مسیر نبوت، اما در مقام ولایت دانسته و از حضرتش به عنوان رهبر، پیر، مراد و مرشد خود یاد کرده است (کاشانی، مقدمه: ۳۰؛ محمدبن منور، ۱۸۹۹: ۳۶؛ عطار نیشابوری، ۱۹۰۵، ج ۱: ۲۶۹).

ابن عربی نیز در بعضی از آثار خود مانند کتاب شجره الکون، بنای اسلام را بر پنج اصل دانسته است که اصل پنجم آن، اهل بیت (حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، حضرت علی (علیه‌السلام)، حضرت فاطمه (علیها‌السلام)، امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام)) به عنوان انسان‌های کامل اند. او محبت یاران و مودت نزدیکان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از ارکان دین و شریعت می‌داند (ابن عربی، ۱۴۲۱ق،

ج ۱: ۳۳۰) و اعتقاد دارد که حضرت حجت بن الحسن العسکری (علیه السلام) خلیفه خداست که روزی ظهور کرده، زمین را از عدل و قسط پر خواهد کرد. به واسطه ایشان همه مذاهب از بین می‌رود و جز دین خالص دینی باقی نخواهد ماند (همان، ج ۳: ۳۲۷). بر اساس آنچه گفته شد، تردیدی نیست که ذات مقدس معصوم (علیه السلام) همان انسان کامل در منابع عرفانی و برترین مصداق آن است.

خدمت‌گزاری به مهمانان معصوم (علیه السلام) که روح عالم و اداره آن تحت تصرفات اوست هم خدمت به معصوم (علیه السلام) به‌شمار می‌رود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْصَلَ إِلَيَّ أُخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفًا فَقَدْ أَوْصَلَ ذَلِكَ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۵۵). در این خدمت، فرصت حضور، حیات، تنفس و بهره‌مندی از راهنمایی‌ها و هدایت‌های حکیمانه آن وجود کمال یافته به عنوان مراد فراهم می‌شود. به یقین دستگیری و ارشاد آن ذات مقدس، زمینه رشد و ترقی خادم و عبور او از مسیرهای صعب العبور بلکه خطرناک سلوک را فراهم خواهد آورد. از سوی دیگر به دلیل وجود حقی خلقی معصوم (علیه السلام)، تقرب به ایشان، تقرب به خداوند و لقای او مطلوب همه سالکین الی الله است؛ بنابراین خدمت به همه مراجعان و مهمانان معصوم (علیه السلام) نیز در حکم خدمت به خود آن ذات مقدس و عالی‌ترین نوع خدمت در عالم هستی به‌شمار می‌رود.

رکن مهم سلوک، داشتن هادی، راهنما و راهبر است که قشیری او را مدار امور سالک می‌داند که جهان وابسته اوست (قشیری، ۱۳۷۴: ۷۸۰). بدون هادی حرکت در مسیر پرخطر سلوک ممکن نیست. خادم برای بهره‌مندی بیشتر از فیض حضور در جوار راهنمایش، خدمت او را انتخاب کرده و گوش به فرمان و مطیع اوست. او هر آنچه مرادش بخواهد اجابت می‌کند که تربیت و نیل به مطلوب و مقصود سالک، به دست شیخ و راهنمای او و ذیل ارادت و اطاعت اوست. از این رو برای کسب معرفت بیشتر از معصوم (علیه السلام)، سالک باید گوش به فرمان و در خدمت او و همه مراجعان و مهمانان او باشد. یادگیری آداب صحبت و معاشرت برای خادم، اعم از آداب ارتباط او با خدا، خود یا هم‌سلکانش، منوط به فراگیری از استاد و راهبر است (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۲۱؛ سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۱). به بیان اردستانی «یک قوم واصل حق می‌شوند که در قدم مرشد باشند؛ زیرا که

طاعت و عبادت به امر پیر کنند نه برای خود که پیر راهدان نگذارد که شخص در چپ و راست نگاه کند. شخص چون بخواهد که نجات کلی بیابد، می باید که به خدمت کامل قادر مشغول شود» (اردستانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۰۷). الهامات غیبی و آوازه‌های سزای همه از آن مشایخ و راسخان در علم است و از این رو معرفت جوینی خادم نیز در گرو خدمت به معصوم (علیه السلام) خواهد بود؛ بلکه به بیان سهروردی «خادم باید درون خود آتش ارادت را چنان افروخته کند که بتواند خود را تسلیم فرمان شیخ نماید تا به دنبال آن حجاب‌های ظلمانی، از دل و جان وی رخت بریندد» (سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۴).

ارادت خادم در سلوک، متعلق به مراد او یعنی ولی خداست و این ارادت، به قول فرغانی باید به حدی باشد که خادم همچون میت در دستان غسال، اراده خود را فدای اراده و اختیار ولی خدا کند (فرغانی، ۱۳۷۹: ۱۸۳). این ارادت به عنوان نشانه معرفت خادم به مخدوم، غنیمت بزرگی است که خادم باید آن را قدر بداند و وقتی در غرب یا شرق به مرادش رسید، او را خدمت کند و با اراده خود هر چه را مانع خدمت او می شود، برطرف سازد و به هر تقدیر خود را از این فرصت مغتنم محروم ننماید (رازی، ۱۳۵۲: ۲۵۵)؛ هر چند به بیان استاد جوادی آملی، «عقل آدمیان راه به جایگاه معصوم (علیه السلام) ندارد و توان تشخیص و انتخاب او جز توسط خدا نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۵۴۷).

خدمت از روی شور و شوق برای جلب رضایت مخدوم و خشنودی او، بدون هیچ چشم داشت و البته پس از معرفت به مخدوم، خدمتی عاشقانه خواهد بود (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۱۱) و چون عشق را شرح و بیانی نیست، خدمت سراسر عشق و شور و ارادت هم در قالب کلمات نمی گنجد. به بیان سهروردی «عشق مهم ترین رکن طریقت و درک آن تنها مخصوص انسان کاملی است که به کمال رسیده است» (سهروردی، ۱۳۷۵: ۲۷۵). عشق آتشی در دل عاشق است که از راه چشم وارد می شود و شعله آن، بیرون و درون عاشق را می سوزاند و صیقل می دهد و پاک و صافی می کند. عشق به قدری دل عاشق را نازک و لطیف می کند که بعید نیست حتی از دیدار محبوب خوف داشته باشد؛ مانند داستان حضرت موسی (علیه السلام) که خواست خدا را ببیند اما «لَنْ تَرَانِي» شنید (نسفی، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

همان گونه که عاشق نمی تواند جز معشوق به دیگری بیندیشد، خادمی هم که در نهایت عشق ورزی، خود را وقف خدمت به مولایش می کند، اندیشه ای به غیر از مخدوم در سر ندارد. او دل و جان خود را فدای مخدوم کرده، خود را در او ذوب نموده و به عظمت و نقطه اوج عشق رسیده است که به بیان غزالی: «عشق رابطه پیوند است و تعلق به هر دو جانب دارد. اگر نسبت او در سمت عاشق درست شود، پیوند، ضرورت بود از هر دو جانب که او خود مقدمه یکی است» (غزالی، ۱۳۵۹: ۱۴). خواست مولانا آن باشد که خادم در همه چیز با او شریک گردد و هر چه را او دوست دارد، دوست داشته باشد؛ که دوستی ای بالاتر از دوست داشتن خدا نیست و هر چه هم دوست داشتنی و محبوب است به واسطه دوست داشتن و محبوبیت خداست (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۵۱۹).

محبت و شوق بی حد به معصوم (علیه السلام)، تقید به یگانگی حیات و ممات او، تأثیرات و آرامش های معنوی، احوالات عارفانه و احساس سبک بالی از حضور در آستان معصوم (علیه السلام)، شرایط سلوکی را برای خدمت خالصانه و عاشقانه فراهم می کند. این همه، زمانی محقق می شود که خادم درک کند خانه معصوم (علیه السلام)، خانه کعبه و خانه خداست و مهمان معصوم (علیه السلام) هم مهمان خدا؛ چه اینکه اگر کسی چیزی را دوست بدارد، هر چه را هم به محبوب منسوب است، دوست دارد. علامت محبت، دوست داشتن وسایل وصول محبوب، اطاعت، تسلیم بودن و مخالفت نکردن با او، ولع داشتن به ذکر محبوب و ذوب اختیار در طلب رضای محبوب است (کاشانی: ۴۰۸-۴۰۹). از این رو علاقه خادم به معصوم (علیه السلام)، محبت و علاقه به مهمانان او را نیز به دنبال دارد و چون معصوم (علیه السلام)، مهمان خود را دوست داشته، تکریم می کند، خادم هم نهایت کرامت را برای مهمان محبوب و مخدومش قائل می گردد؛ بنابراین یکی از پایه های سلوک خدمت در آستان معصوم (علیه السلام)، عشق و محبت به معصوم (علیه السلام) است.

رکن دیگر خدمت را حضور قلب دانسته اند که به معنای حاضر بودن با همه وجود، خارج کردن همه اشتغالات روزمره از فکر و جان و اهتمام کامل برای انجام خدمت قابل قبول است. به بیان فیض کاشانی، حضور قلب، فراغت دل و زبان از همه چیز را گویند، جز آنچه که به آن مشغول می باشد که در آن، علم با فعل و قول قرین می شود و فکر

در غیر این‌ها جاری نیست (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۷۰). از ویژگی‌های صاحبان بصیرت، آن است که همه چیز را به‌وسیله خدا مشاهده می‌کنند (بقلی شیرازی، ۲۰۰۸، ج ۳: ۶۲).

بدون حضور قلب نمی‌توان از خدمت قابل قبول و مورد رضای معصوم (علیه السلام) سخن گفت. فقدان این حضور روحانی، سطح خدمت را تنزل می‌بخشد و برای خادم دل‌مشغولی‌هایی را فراهم می‌سازد که او را وارد وادی غفلت می‌کند. غفلت، نشانه عدم حضور قلب و اشتغال دل به اموری است که منظور و مقصود خادم نیست. این اشتغالات حضور خادم را برای خدمت او به مخدوم بی‌اثر می‌کند. روزبهان بقلی نقل می‌کند: «اگر غفلت نبود، صدیقان بمردندی از روح ذکر حق» (بقلی شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۱)؛ از این‌رو غفلت، حقایقی را از روح خدمت در دل خادم می‌پوشاند و خدمتش را برایش حجاب می‌کند. به همین دلیل حضرت امام خمینی (ره) حضور قلب را روح عبادات می‌داند، تا جایی که بدون آن هیچ عبادتی مقبول درگاه احدیت قرار نمی‌گیرد و بلکه از درجه اعتبار ساقط است (خمینی، ۱۳۸۳: ۱۵)؛ بنابراین حضور قلب، رکن اساسی عبادات و از جمله خدمت خادم تلقی می‌شود. خادم آستان، با همه وجود به معصوم (علیه السلام) و خشنودی او توجه دارد و از آنجا که دلیل حضور خادم در آن آستان، وجود معصوم (علیه السلام) است، روح خدمت، حضور قلب خادم در برابر معصوم (علیه السلام) و درک مقام او نیز فقط با حذف همه اشتغالات روزمره و تمرکز بر خدمت ممکن می‌شود.

خادم که خدمت حقیقی را جست‌وجو می‌کند، می‌کوشد هر آنچه را که در مطلوب اثر دارد به دست آورد یا به آن عامل شود. او جان و مال خود را بدون هیچ چشم‌داشت، برای رضایت ولی خدا و رسیدگی به امور بیت مطهر ایشان، در طبق اخلاص گذاشته و اندیشه و دل و زبان خود را کاملاً به خدمت مشغول می‌کند تا از هر غفلتی، ولو اندک برکنار باشد. این معنای حضور قلب خادم در هنگام خدمت است و قلبی را که به‌طور کامل، خواه در خدمت یا در سایر عبادات متوجه خدا باشد، همان قلب سلیم می‌خوانند. سفیان بن عیینه گفت: «از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» سؤال کردم، فرمود: «صاحب قلب سلیم کسی است که به لقاء

پروردگارش می‌رسد و غیر حق در دل او کسی نیست» و فرمود: «هر قلبی که در آن شرک یا شک باشد، ساقط است و آن‌ها در دنیا زاهد شدند تا قلب‌های خود را مهیای آخرت نمایند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶).

۴. کارکردهای سلوکی خدمت

۴-۱. خودسازی خادم در آستان معصوم (علیه السلام)؛ خادم در سلوک عرفانی خدمت، با نیت قربه الی الله قصد خدمت می‌کند و با تزکیه و خودسازی، بهره‌مند از هدایت‌ها و عنایت‌های مخدوم معصوم (علیه السلام)، آلودگی‌ها و رذایل را از وجودش کاسته، به زیور فضایل آراسته می‌شود. خودسازی مقدمه خدمت خادم و به منزله شناخت باطنی او از خدمت است. خادم، محلی برای تصفیه باطن می‌جوید و حرم معصومین (علیهم السلام) مدرسه معرفتی است که فرصت آموختن و عمل کردن را برای او فراهم می‌کند. خدمت در آستان با رعایت مؤلفه‌های آن، مقدمه تقویت خدمت به خلق در جامعه است. خادم با استمرار در خدمت به زائران و مجاوران آستان، در پی تقویت سعه وجودی و کمال خود است و این هدف، زمانی محقق می‌شود که او با استعانت از وجود نوری معصوم (علیه السلام) و بهره‌مندی از روح پاک او، همچنین پیروی کامل از سیره و روش آن ذوات مقدسه، شبیه‌ترین مردم به معصوم (علیه السلام) شود. سعید بن مسیب از اصحاب مورد اعتماد امام سجاد (علیه السلام)، از غلام امام (علیه السلام) به عنوان فردی مستجاب الدعوه یاد کرده است که خود استجابت دعای بارانش را شاهد بوده است و حتی پس از درخواست خرید او از امام معصوم (علیه السلام)، شاهد طلب مرگ از خداوند، به دلیل دوری از امام (علیه السلام) بود که باز اجابت شد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

این ویژگی‌ها گرچه به انبیا و اولیای الهی به‌ویژه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اختصاص دارد، اما گاه اصحاب و خدام ایشان نیز به تبع همنشینی و خدمت معصوم (علیه السلام) به این مقامات معنوی دست یافته‌اند. سلمان فارسی نمونه دیگری از این جمله است که به دلیل قربت روحی با معصومین (علیهم السلام) و خدمت آنان، به مقام «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» نائل آمد. بانو فضه، خادمه حضرت زهرا (علیها السلام) هم از خدمت‌گزارانی بود که در محضر معصومین (علیهم السلام)

تربیت گردید و چنانکه گفته‌اند در کربلا و در میان اسرا نیز حضور داشت و خدمت‌گزاری حضرت زینب (ع) را تجربه کرد. ایشان صاحب کرامات و مقامات بلند و حافظ کل قرآن بود و در ۲۰ سال پایانی عمر، جز با استفاده از قرآن پاسخ کسی را نداد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۸۶).

۴-۲. فنای خادم در مخدوم و نادیدن خدمت؛ فنا در لغت به معنای نابودی و نقیض بقاست (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۳۷۶) و در اصطلاح عرفا، سقوط اوصاف مذمومه و بقای اوصاف محموده را گویند که با ریاضت زیاد و عدم احساس به عالم ملک و ملکوت و استغراق در عظمت حق تعالی حاصل می‌شود (جرجانی، ۱۳۷۰: ۷۳). فنای خادم در سلوک خدمتی، رسیدن او به مرحله‌ای است که هر چه غیر مخدوم را نبیند و همه خواسته‌ها و تمایلات او در خواسته‌های مخدوم هضم و فانی شود. این نوع از فنا به معنای از بین رفتن حیات خادم یا اراده او نیست، بلکه فنای در مخدوم آن است که خادم در تمام امور و خدمات، فقط خواست و رضایت و خشنودی مخدوم را مد نظر قرار دهد و بر اساس آن تلاش و حرکت کند. به بیان دیگر قبل از انجام هر کاری در حین خدمت، تأمل کند که آیا مخدوم او از انجام آن کار راضی است یا نه؟ آن‌گاه خواست مخدوم را بر خواست خود مقدم بدارد و بر مبنای آن عمل کند.

فنا به معنای انقطاع را گرچه به ظاهر فنا در برابر بقا و به معنای نیستی و نابودی گفته‌اند، اما این نابودی به معنای نبودن و نشدن و نماندن نیست، بلکه به تعبیر انصاری، اضمحلال و نابودی غیر حق، از روی علم و عقیده و باور قلبی حقانی است (انصاری، ۱۴۱۷: ۱۳۵). چنین فنایی از بودن یا وجود ماسوایی حکایت می‌کند که با گذر از مرحله عبادات و ریاضات، اینک نیست و نابود می‌گردد؛ بنابراین آنچه در ارتباط خادم و مخدوم به فنای خادم منجر می‌شود، هویت مستقلی است که خادم برای خود و خدمتش قائل می‌گردد، اما در خلال سلوک خدمتی و پس از طی مراحل و مقامات معرفتی، به مرتبه‌ای می‌رسد که همه افعال خود را در افعال مخدوم فانی می‌بیند و ماسوای مخدوم، اعم از خود یا غیر خود، چیزی نمی‌بیند؛ هر چه هست مخدوم، خواست و رضایت او است.

۴-۳. دستگیری خادم از خلق: حضور در آستان معصوم (علیه السلام) و بودن در کسوت خدمت‌گزاری و تربیت ملکوتی صاحب آستان، خادم را به سمت حقیقت خدمت و استمرار در خدمت‌گزاری در سایر عرصه‌ها نیز سوق می‌دهد. معصومین (عهم) اسوه خدمت و هدایت خلق بوده‌اند و خادمان نیز با حضور مداوم در آستان این بزرگواران، خدمت به خلق را در وجود خود تبدیل به ملکه می‌کنند و به پیروی از وجود سراسر خدمت معصوم (علیه السلام)، همواره مهربای خدمت‌اند. این اشتیاق، به مرور و با چشیدن حلاوت خدمت در محضر ولی خدا حاصل می‌شود. بر این اساس، خدمت خادم محدود به خانه معصوم (علیه السلام) و مهمانان مکرم ایشان نیست، بلکه بر مبنای اصل «عالم محضر خدا و ولی خداست»، همواره در پی فرصتی برای انجام خدمات بیشتر هستند.

حضور خدمت‌گزاران عزیز آستان مقدس رضوی هنگام بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله در جای جای مملکت اسلامی، نمونه‌ای از این تربیت‌یافتگی و هدایت است که نه تنها با حضور خود به رفع نیاز و گره‌گشایی کمک می‌کنند، بلکه از جان و مال خود هم گذشته و به دنبال ایجاد فضایی معنوی برای خدمت به خلق در خارج از حرم هستند. حضور علی بن یقطین بن موسی بغدادی، از اصحاب و خدمت‌گزاران امام جعفر صادق (علیه السلام) و امام موسی کاظم (علیه السلام)، که به سفارش امام معصوم (علیه السلام) و با هدف دستگیری از شیعیان، در دستگاه عباسی خدمت می‌کرد، مصداقی دیگر از اهتمام خادم خارج از آستان منور معصومین (عهم) است.

امام رضا (علیه السلام) چنین خادمانی را مؤمن حقیقی و خدمت‌گزاران خدا بر آستانه ستمگران برای تبیین براهین حق می‌داند که خدا آن‌ها را امین خود قرار داده است و به آن‌ها قدرت می‌دهد تا از دوستانش دفاع کنند و امور مسلمانان را اصلاح نمایند (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۴۵).

نتیجه‌گیری

۱. خدمت در آستان معصوم علیه السلام از جهت ظاهر، رسیدگی و توجه به مهمانان و مراجعان ولی خدا با استفاده از امکانات و لوازم موجود خدمت‌رسانی و در چارچوب شرع و عقل است، اما از نظر باطنی، مقام مساعدت و دستگیری بی‌چشم‌داشت است که از طریق معرفت به مقام معصوم علیه السلام در جایگاه انسان کامل و واسطه حق و خلق به دست می‌آید. در واقع، حقیقت خدمت در عرفان، عشق و محبت و ارادت به انسان کامل و داشتن حضور قلب در خدمت، برای رسیدن به مقام تقرب الهی را گویند.
۲. در میان سه درجه خدمت‌گزاری (خادم، متخادم و مستخدم)، عرفا عالی‌ترین مرتبه خدمت را «خادم» می‌دانند که همراه با خلوص نیت، بی‌شائبه نفس و حظوظ دنیوی است. خادم برای خدمت‌گزاری و به پیروی تام و تمام از خلیفه خدا، خالصانه جان و مال و توان و استعداد خود و هر چه را که دارد، به او و مهمانان و ارادتمندان هدیه می‌کند.
۳. خدمت به معصوم علیه السلام محدود به بیت مطهر یا آستان منور ایشان نیست، بلکه خدمت‌گزاران و موالیان ایشان مانند مالک اشتر و سلمان و علی بن یقطین، برای جلب رضای ولی خدا که خشنودی حق تعالی را نیز دارد، هر کجا و در هر مسندی که ضرورت ایجاب می‌کرد، اگر چه در دل دشمن بود، مفتخر به خدمت و گره‌گشایی از خلق بودند.
۴. پیروی کامل از سیره و روش زندگی معصومین علیهم السلام و خدمت به آن ذوات مقدسه و مراجعان و ارادتمندان آنان، می‌تواند خادم و اصحاب را به مقامات بالای معنوی از جمله مرتبه (منا اهل البیت) برساند.
۵. گذر از موانع سخت و دشوار انیت و انانیت، با نظر و عنایت ولی خدا و رسیدن به مرحله فقر و فنا تا دستگیری و ارشاد خلق و بقای بعد از فنا، کارکردهای سلوکی خدمت عارفانه و منتهای ارمانی است که خادم در آستان معصوم علیه السلام تحصیل می‌کند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آخوندی، مصطفی. (۱۳۹۷). «شمیم خدمت». میقات حج. دوره ۲۷. شماره ۱۰۶. صص: ۷-۳۴.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ابن عربی، محیی الدین. (بی تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دارالصادر.
- _____ (۱۹۶۶م). فصوص الحکم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- _____ (۱۴۲۱ق). مجموعه رسائل ابن عربی. بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- اردستانی، پیر جمال الدین. (۱۳۸۰). مصباح الأرواح. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اصفهانی، ابو نعیم. (بی تا). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء. قاهره: دار ام القراء للطباعة و النشر.
- _____ (۱۴۱۷ق). منازل السائرین. تهران: دارالعلم.
- باخرزی، یحیی. (۱۳۸۳). اورداد الاحباب و فصوص الآداب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. چاپ دوم. تهران: اسلامی.
- بقلی شیرازی، روزبهان. (۲۰۰۸م). تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _____ (۱۳۷۴). شرح شطحیات. چاپ سوم. تهران: طهوری.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامی.
- جامی، عبد الرحمن. (۱۸۵۸م). نفعات الأُنس. کلکته: مطبعه لیبی.
- جرجانی، سید شریف. (۱۳۷۰). کتاب التعریفات. چاپ چهارم. تهران: ناصر خسرو.
- الجنید بغدادی، ابوالقاسم. (۱۴۲۵ق). رسائل الجنید. دمشق: للطباعة و النشر و التوزیع.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). تحریر تمهید القواعد. بی جا: الزهراء.
- الخروگوشی، ابوسعید. (۱۴۲۷ق). تهذیب الاسرار فی اصول التصوف. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۳). سر الصلاة. چاپ نهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رازی، نجم الدین. (۱۳۵۲). مرصاد العباد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیرکبیر.
- اسکندری، احمد بن عطاء الله. (۱۴۲۶ق). القصد المجرد فی معرفة الاسم المفرد. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سلمی، عبد الرحمن. (۱۴۱۴ق). تسعه کتب فی اصول التصوف و الزهد. دمشق: للطباعة و النشر و التوزیع.
- _____ (۱۳۶۹). مجموعه آثار السلمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سهروردی، شهاب الدین ابو حفص. (۱۳۷۵). عوارف المعارف. ترجمه ابو منصور بن عبدالمؤمن اصفهانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۹۰۵م). تذکره الاولیاء. لیدن: مطبعه لیدن.

- علوی، سیدعلی اصغر. (۱۳۹۳). *خادم ارباب کیست؟ درس‌هایی از کلاس حضرت جون*. تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- غزالی، ابوحامد. (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*. ترجمه مؤیدالدین خوارزمی. چاپ ششم. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- غزالی، احمد. (۱۳۵۹). *سوانح*. تصحیح نصرالله پورجوادی. بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: هجرت. قم.
- فرغانی، سعیدالدین. (۱۳۷۹). *مشارق الدراری: شرح تائیه ابن‌فارض*. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: اداره المکتبه.
- _____ (۱۴۱۷ق). *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. چاپ چهارم. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). *رساله قشیریہ*. تصحیح حسن بن احمد عثمانی. ترجمه بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عبدالرزاق. (۱۴۲۶ق). *لطائف الأعلام فی إنبات أهل الإلهام*. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- کاشانی، عزالدین محمود. (بی‌تا). *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. تهران: نشر هما.
- قونوی، صدرالدین. (۱۳۷۱). *الفکوک*. ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.
- _____ (۱۳۷۵). *التفحات الالهیه*. ترجمه محمد خواجوی. تهران: مولی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: ط-الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مردیها، مسعود. (بی‌تا). *بهشت خادم*. کتاب الکترونیکی. سایت نویسنده.
- مستملی بخاری، اسماعیل. (۱۳۶۳). *شرح التعرف لمذهب التصوف*. تهران: انتشارات اساطیر.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۴/۱۴۲۶ق). *اثبات الوصیه*. چاپ سوم. قم: بی‌نا.
- مکی، ابوطالب. (۱۴۲۴ق). *علم القلوب*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (۱۴۱۷ق). *قوت القلوب فی معاملة المحبوب*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- محمدبن منور. (۱۸۹۹م). *أسرار التوحید فی مقامات ابي سعید*. سن پترزبورگ: الیاس میرزا بوراغانسکی.
- میری خضری، سیدعباس. (۱۳۹۱). *خدمت‌گزاری به زائران در فرهنگ اسلامی*. تهران: نشر مشعر.
- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۸۶). *الإنسان الكامل*. چاپ هشتم. تهران: طهوری.
- نیلی‌پور، مهدی. (۱۳۹۶). *در حریم دوست: آداب خدمت‌گزاری در حرم مطهر رضوی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- هجویری، ابو الحسن علی. (۱۳۷۵). *کشف المحجوب*. چاپ چهارم. تهران: طهوری.
- یوسفیان، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). «خدمت‌رسانی از منظر اخلاق اسلامی». *حصون*. شماره ۱.